

سخنرانی آیت الله هاشمی شاهرودی
ریاست محترم قوه قضائیه
در گردهمایی روحانیون غرب استان تهران و کرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
«إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ
وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتَحْفَظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوْنَ النَّاسَ وَاخْشَوْنِي».

بنده هم این ایام مبارکه مبعث پیامبر عظیم الشان اسلام و همچنین ایام مبارکه ماه رجب و اعیادی که در ماه مبارک شعبان در پیش رو داریم را به همه عزیزان تبریک عرض می‌کنم و از همه عزیزان و برادران گرامی مخصوصاً روحانیون عزیز که در این جلسه بسیار صمیمی جمع شده‌اید تشکر می‌کنم، بنده امیدوارم خداوند توفیق خدمتگزاری را به ما و شما عنایت فرماید. این آیه‌ای را که تلاوت کردم یکی از آیات بسیار جالب قرآنی است که یاد دارم مرحوم شهید صدر در بحث‌های قرآنی‌شان برای اثبات نقش خط روحانیت، علما و مرجعیت در جهان و در تاریخ به این آیه تمسک می‌کردند و از جمله آیاتی که ایشان سعی می‌کردند بحث بسیار مهم و اساسی ولایت فقیه که سنگ بنای انقلاب اسلامی ما و سنگ بنای این نظام مقدس را هم از این آیه استفاده کنند و حالا در این جمع علما و روحانیون عزیز جا دارد آیه مورد توجه قرار بگیرد انشاء الله با کار، کنکاش و تحقیق بیشتر در پیرامون این آیه خود عزیزان به معانی و ابعاد بیشتری و فرازهای بهتر و گسترده‌تری هم دست پیدا کنند، آیه در رابطه با خط انبیاست و در حقیقت نمی‌خواهد خط نبوت را که خط شهادت یا شاهدیت انبیا در تاریخ و وظیفه و نقش آنهاست، مشخص کند. می‌فرماید: «**إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ**» که بزرگترین کتاب شریعت الهی است و مسبوط‌ترین دستورات شرعی در کتاب تورات و الواحی که بر حضرت موسی علی نبینا و علیه الصلوة والسلام وارد شده در این کتاب بوده و هست. حتی شاید احکامی که در این کتاب

آمده، از احکامی که در اسلام آمده بیشتر و مبسوط‌تر باشد. «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ» ذکر تورات در اینجا بعنوان یکی از مهمترین و اولین شریعت مبسوط الهی است و الا تورات خصوصیتی ندارد، مخصوصا که شریعت تورات در شریعت مسیحیت و حضرت عیسی علیه‌السلامهم محفوظ ماند و خیلی از احکامش هم در اسلام تثبیت شده است و همه شرایع الهی این چنینی است که از طرف پروردگار عالم تنزیل شده است به جهت اینکه به آنها حکم شود تا در جامعه بشری احیا شوند «یحکم بها النبیین» به اینها حکم کنند؛ نه تنها در باب قضاوت و حکم قضایی بلکه این اطلاقی هم که دارد در همه امور باید احکام الهی در جامعه احیا شود و حاکمیت، حاکمیت تورات، نور و هدایت الهی باشد. کسانی که اسلام بیاورند، به انبیا ایمان بیاورند و هدایت شوند. انزال شرایع الهی و کتب آسمانی به این جهت است که اینها در جامعه مدنی انسانها حاکمیت پیدا کنند و احیاگر این نور هدایت و تعالیم آسمانی در روی زمین باشند و هم ربانیون. ربانیون هم معنای لغوی‌اش کسانی هستند که تربیت‌های ویژه شدند نصب ویژه به‌عنوان وصی یا ولی و بدست خود انبیا تربیت شدند و هم در روایات اهل‌بیت عصمت و طهارت تفسیر شده که این مقطع ربانیون در این آیه شریفه به معنای ائمه اطهار و اوصیای انبیا یعنی کسانی که بطور مستقیم به دست انبیا الهی هم تربیت شدند و تقویت یافتند و هم تربیت ویژه شدند و در روایات ما ائمه اطهار علیهم‌السلامین‌گونه بعنوان وصی یا ولی و جانشین نسبت به شریعت و پیامبر اکرم منصوب شدند. معنای آیه هم با این تناسب دارد، ربانیون آن تربیت شدگان ویژه و مخصوص می‌باشد.

«والاحبار»؛ دسته سوم احبار، جمع حبر، حبر به معنای عالم، عبدالله بن عباس معروف بود به حبر الامه، چون یکی از علما و دانشمندان بزرگ اسلامی در صدر اول و از شاگردان امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود. اینجا علما در کنار انبیا و ربانیون بعنوان مقطع سوم آمده است که پس حاکمین به شریعت الهی در این سه دسته قرار گرفته شدن اند. اول انبیا بعد ائمه و اوصیاء ویژه آنان و پس از آن علما و احبار که مرحوم شهید صدر از این ذکر «احبار» در این آیه بحث ولایت فقیه را هم استفاده می‌کردند که ما در قرآن به شکل صریح آیه‌ای دال بر ولایت فقیه نداریم. این آیه با این کلمه احبار که در اینجا آمده است، برداشتی که این شهید بزرگوار از این آیه داشتند و برداشت تازه و بسیار جالبی هم هست و این در حقیقت همان خط انبیا و حاکمیت شرایع الهی بر روی زمین را اول توسط انبیا بعد ائمه اطهار و اوصیای خاص و منصوبین خاص آنان و پس از آن علما و دانشمندان به دین «احبار»، عالمانی که بر اساس آن مکتب الهی تربیت شدند و هم وظیفه دارند و مکلف و موظفند که «یحکم بها» به تورات و شریعت الهی حکم کنند.

در هر زمان آن شریعتی که آنها وظیفه دارند آن را در جامعه احیا کنند و حاکمیت آن شریعت را بدست بگیرند و ذیل آیه چنین مشخصه را بیان می‌کند «**بما استحفظوا من کتاب الله و كانوا علیه شهداء**» اینها حاکمیت‌شان، وظیفه در احیای شریعت اسلامی و الهی و شریعت آسمانی، نور و هدایتی که از طرف خداوند بر بشریت نازل می‌شود را براساس ملاک «**بما استحفظوا من کتاب الله**» دارند، اینها آگاهان به کتاب خدا هستند این همان بحث اشراف و تعلم کامل و تربیت شدن در آن مکتب آسمانی است، حافظ کتاب باشند این حفظ به معنای حفظ همه جانبه در مقابل شبهات و تحریفات و دشمنی‌هایی است که از طرف دشمنان و شیاطین آن زمان صورت می‌گیرد علیه حکومت ارزش‌های الهی و انبیایی از طرف دشمنان و شیاطین آن زمان صورت می‌گیرد اینها حافظند و از تحریف و شبهات فتنه‌انگیز و ترفندهایی که موجب تزلزل مؤمنان و مسلمانان می‌شود دفاع کرده و کتاب خدا را همه جانبه حفظ می‌کنند. هم اشراف علمی و هم اشراف معنوی دارند و شریعت الهی را از همه آسیب‌هایی که دشمنان و شیاطین دنبال می‌کنند حفظ می‌کنند و این جنگ و جدال میان این مکتب حق و باطل از ابتدای خلقت انسان بوده و تا آخر هم هست و یک امر فحری می‌باشد. که این بعد علمی - فکری به اصطلاح امروز بعد ایدئولوژی مسئله هست «**بما استحفظوا من کتاب الله**» اینها باید واقعا حافظ باشند و با آگاه و روشن بودن به همه تعالیم کتاب و شریعت الهی آن را از مصدر ناب بگیرند و استفاده کنند. «**و كانوا علیه شهداء**» که این همان خط شهادت و شهادت است. «**لتكونوا شهداء علی الناس و يكون الرسول علیکم شهيدا**» شهید در این آیات به معنای کشته شده در راه خدا نیست، اصلاً شهید در قرآن شاید به آن معنی استعمال نشده باشد. شهید به معنای شاهد و گواه، کسیکه در راه خدا کشته می‌شود به این مناسبت به او شهید می‌گویند چون، بر آن امت هم در دنیا و هم در آخرت گواه خواهد بود.

«**و يكون الرسول علیکم شهيدا**»، «**بما استحفظوا من کتاب الله و كانوا علیه شهداء**» این سه طایفه انبیا، رانویان و احبار که اینها در عرصه تاریخ بر امت هایشان شاهد هستند. و «**ان يكون الرسول علیکم شهيدا**»، «**تكون شهداء علی الناس**». شاهد بودن معنای ظریف و گسترده و توسعه یافته‌ای دارد و آن اینکه باید هم در خودشان آن تعالیم و ارزش‌های الهی را پیاده کنند و هم در جامعه شاهد بر آن باشند و اینها معیار و شاهد هستند که چه چیزی حق و چه چیزی باطل است. اینها اسوه و الگو هستند، اینها قده مردم هستند الگوهایی که مردم به آنها اقتدا می‌کنند. اینها مردم را بدنبال خود می‌کشند و مردم را به جهت برپایی آن شریعت الهی و احیای آن ارزش‌ها و حاکمیت تورات و انجیل و قرآن به صحنه می‌کشند. شاهد در اینجا به این معناست.

این دو خصلت که در ذیل این آیه ذکر شده است، خصلت سوم «**فلا تخشوا الناس و اخشون**» این هم يك سیاست و راهکار است در حقیقت یعنی به الگو رسیدن‌ها و کشیدن مردم به صحنه حاکمیت الهی و هدایت‌های آسمانی و شرایع پیامبران. شرطش این است «**لا تخشوا الناس و اخشون**» این همان شجاعتی است که در رهبران و انبیاء و اولیاء يك شرط اساسی است، خوف از مردم بایستی نداشته باشی «**لا تخشوا الناس**» فقط از خدا بترسی «**واخشون**» که واقعا يك خصیصه و راهکار بسیار اساسی است شرط بسیار مهمی است و ما برکات و ثمراتش را می‌بینیم که چگونه وقتی که رهبران صالح و مؤمن اسلامی و الهی با شجاعت و نداشتن هیچ‌گونه خوفی از دشمنان اسلام جامعه‌ای را رهبری می‌کنند، برکات الهی چگونه باز می‌شود و واقعا امدادهای الهی و غیبی شروع می‌شود. ممکن است بر حسب ظاهر و حسب يك مقطع محدودی يك شکست شکلی و صوری هم شکل بگیرد ولی این شکست مقدمه يك پیروزی بسیار عظیم و يك تحول است و بر حسب ظاهر که آن حاکمیت آن شکست هم هست. در حقیقت آن شکست، شکست شکلی است نه شکست محتوایی؛ از نظر محتوا غالب شده است عین نهضت عاشورا و کربلا.

امام حسین علیه‌السلام در آن نهضت بر دشمن خود پیروز شد و دودمان خلافت بنی‌امیه و خلافت کفر را از بین برد که اگر آن قیام و آن شهادت و آن ایثار بی‌نظیر و جانسوز در تاریخ نبود، اسلام از بین رفته بود قطعاً، این يك تحلیل روشنی است چیزی که حافظ اسلام و انوار الهی شد و شریعت الهی را حفظ کرد و بشریت را از آن خطر و هجمه بسیار خطرناك حفظ کرد. دودمان بنی‌امیه به تصریح معاویه ابن ابی‌سفیان دنبال این بود که اسم و یاد و ذکر پیامبر و شهادتین را از دل و جان جامعه و مردم ببرد. این هجمه بسیار وحشیانه و خشن و خطرناك که قطعاً همه جنود ابلیس پشت سر این جریان قرار گرفته بود در تاریخ اسلام بوسیله این شهادت از بین رفت. بعد این شهادت يك آب زلالی شد که همواره نه فقط در زمان خودش و طاعت زمان خودش در مقابل هر طاغوتی امت اسلامی را بیمه کرده و سرمشق داد و راه را نشان داد که چگونه در مقابل آن طاغوت‌ها قیام کنند و بجز از خدا نترسند و به تکلیف شرعی خودشان عمل کنند تمام حرکت‌هایی که پس از قیام خونین کربلا انجام شده همه از قیام امام حسین علیه‌السلام سرچشمه گرفته است حتی کسانی که از نظر اعتقادی و خطی در خط اهل بیت علیهم‌السلام نبودند و حتی قیام‌های ابن‌زبیرها هم در تاریخ در مقابل بنی‌امیه از قیام کربلا نیرو گرفت و اصلاح و برگشت دادن اسلام راستین و اسلام ناب و حاکمیت در جامعه برای برگشت دادن ارزش‌ها از این شعار استفاده کرد و هر انقلابی که رخ داد و هر حرکت و قیامی در جهان اسلام، شروع شد همه از این شعار

استفاده کرده و از این نیرو گرفتند و حتی خارج از جهان اسلام نیز همین طور است. شما در خاطرات گاندی بخوانید چقدر از قیام امام حسین علیه‌السلام و شخص ایشان تجلیل می‌کند و می‌گوید من مقاومت در مقابل استکبار انگلیس را از او درس گرفتم. قیام خود ما همان نهضت انقلاب اسلامی که خیلی مشخص است در نظر بگیرید، همه ادبیات و مفاهیم‌اش برگرفته از قیام کربلا و عاشورا و تاسوعاست. علاوه بر این که این همان خطی است که خود این قیام این خط را تأسیس کرد و در جهان اسلام تثبیت کرد و ائمه بعدی، بعد از امام حسین علیه‌السلام این خط را تأسیس کردند و اصلاً این مولود آنهاست. این امتداد همان خط است به معنای اخص است که به این عظمت شکل گرفت البته در تاریخ نورانی تشیع و بخصوص مرجعیت، مقطع‌های زیادی بوده که این مسئله به شکل‌های کوچکتر و مختصرتری رخ داده البته در همان مبارزهای که همیشه بین کفر و اسلام و بین حق و باطل وجود دارد و این سنت الهی است و حکمت الهی از خلقت انسان بوده و خواهد بود. قیام‌ها و حرکت‌ها و هدایت‌ها، بر پا کردن و احیای دین به شکل‌های مختلفی در تاریخ تشیع بوده که من نمی‌خواهم وارد این فصل‌ها و بخش‌ها بشوم و تاریخ تشیع خودش یک بحث واقعا ارزنده‌ای است که ما لازم است حرکت شیعه در تاریخ را که حرکت ائمه اطهار علیهم‌السلام بعد از امام حسین علیه‌السلام بوده است را تحلیل کنیم و بعد حرکات علما و احبار که مراجع ما بودند، روات احادیث در زمان ائمه بودند را تحلیل کنیم. بعد علمایی که پس از عصر غیبت صغری و غیبت کبری در تاریخ با نام مرجعیت شکل گرفت نقش این‌ها در همین «**یحکم بها النبیون و الرئیون و الاحبار**» نقش احبار چه بوده است. واقعا در تاریخ اسلام این یک بحث بسیار مهمی است جای بحث و تحقیق و کنکاش زیادی دارد ما امروز نیازمندیم این تاریخ را توضیح بدهیم و تحلیل بکنیم. یکی از مسائلی که مکتب‌های امروز دنیا خیلی به آن می‌پردازند با اینکه فرصت‌ها و امکاناتش را هم ندارند این است که سعی می‌کنند حرکات خود را به یک ریشه مهم تاریخی متصل کنند. کمونیست‌ها وقتی می‌خواستند کمونیسم خود را ترویج کنند برای آن ماتریالیسم تاریخی تدوین کرده بودند و سعی می‌کردند خودشان مقطعی از یک حرکت ممتد تاریخ بشری بدانند که البته نادرست بود و همانجا نقد می‌شد، ما این تاریخ را داریم ولی متأسفانه دنبال نکردیم مخصوصاً تاریخ تشیع، تاریخ فکر تشیع و فکر شیعی و تاریخ مرجعیت و علما و همین احبار که در این آیه به آن اشاره شده است را دنبال نکردیم. و آن زنجیره‌ها و حلقه‌های وصل این تاریخ به حرکت ائمه اطهار علیهم‌السلام و حرکت کربلا و عاشورا و حرکت صلح امام حسن علیه‌السلام و حرکت حکومت چهار ساله امیرالمؤمنین علیه‌السلام و زمان خود پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اینکه چگونه این سلسله‌ها و قطعات این زنجیره واحد به این انقلاب با عظمت

منتهی شده را بررسی نکردیم. این انقلاب هم قطعاً يك مقطعی است و يك حلقه‌ای است برای رسیدن به يك فتح بزرگ‌تر و تحول بسیار عظیم و توسعه یافته در جهان که شواهدش را امروز می‌بینیم و حتماً به روز موعود بزرگ که خط انبیاء و خط اسلام و هدایت‌ها و انوار الهی در جهت احیای قسط الهی در کل سرزمین‌ها بدست آن انسان صالحی که همه انتظار او را می‌کشند منتهی خواهد شد. پس بنابراین نقش علما نقش بسیار مهمی است و این نقش هم در گرو این سه خصلت است. تعلیم و تعلم در مکتب الهی در حدی که بتوان حافظ کتاب، حافظ اسلام و حافظ آن مکتب شد. این خیلی مسئله مهمی است. حافظ بودن هم اشراف بر میانی آن مکتب الهی و اسلام ختم نبوت‌ها و جامع تعالیم الهی است که در تورات و انجیل وارد شده است. بحمدالله قرآن از هر تحریفی محفوظ مانده این هم بحمدالله مقدار زیادی از سنت پیامبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام در مذاهب دیگر اسلامی حفظ شده و کاملش در مذهب ما حفظ شده که خیلی نعمت بزرگی است. اشراف، بر همه این‌ها و تعلم و تربیت شدن به این تعالیم بسیار ارزنده و گسترده و غنی از يك طرف برای دفع خطرات علیه این مکتب و حفظ در مقابل تهاجم‌ها، ترفندها، دشمنی‌ها، شبهه افکنی‌ها و در مقابل مکتب‌های دیگری که بوسیله شیاطین انس و جن همواره در آن جدال بین حق و باطل و کفر و اسلام همیشگی وجود دارد و دائمی است اهمیت دارد چون این دشمنی‌ها از بین نمی‌رود و روز به روز این شبهات، اشکالات و آسیب‌ها به شکل‌های گوناگون فکری، اخلاقی عملی، سیاسی و اقتصادی مطرح می‌شوند. لذا کسی که می‌خواهد حافظ کتاب باشد همان حبر، عالم و علمی که می‌خواهد حافظ کتاب باشد بایستی اطلاع بر آن پیدا کنند تا بتوانند دفاع کرده و شریعت را حفظ کنند: «**بما استحفطوا من کتاب الله**» اینجاست که واقعاً توجه به فرهنگ‌ها و مکتب‌های روز در حوزه‌های علمیه بحمدالله تحت عنوان بحث‌های جنبی که خیلی جانبی هم نیست دنبال می‌شود، مخصوصاً برای شما که در حوزه‌های مراکز شهرهای کلان با مسائل فرهنگی و سیاسی و اجتماعی مردم و مسئولان ارتباط نزدیک دارید، اشراف بر این فرهنگ‌ها که امروز از این راه‌ها دشمنان ما و شیاطین انس و جن و شیاطین بزرگ می‌آیند و وارد می‌شوند، اهمیت دارد. این مقوله‌های جدیدی که در مسائل گوناگون سیاسی، اجتماعی، مفهومی، مفاهیم و اعتقادی مطرح می‌شود و این واژه‌های جدیدی که بکار گرفته می‌شود و یا يك واژه می‌خواهند مجموعه‌ای را گمراه کنند اطلاع بر این رشته‌هایی که به گونه‌ای که در ارتباط با مسائل قرآنی و الهی قرار می‌گیرد تحت عنوان رشته‌های علمی یا علوم انسانی یکی از شرایط بسیار مهم امروزه ما می‌باشد. این‌ها را بایستی اول مطالعه و درک کنیم حتی اگر لازم باشد برخی از این‌ها در برنامه‌های درسی وارد و الزامی بشود که حوزه‌ها این‌ها

را تدریس کنند و نظرات برتر و عالمانه‌تر و عمیق‌تر اسلامی در مقابل هر رشته‌ای از این رشته‌ها مطرح شود در اقتصاد اسلامی، فلسفه اسلامی و در مسائل اجتماعی و جامعه‌شناسی و مسائل سیاسی - حقوقی به کار گرفته شود. این مسائل عریض و طویلی که امروزه تحت عنوان آزادی‌ها، حقوق بشر، حقوق زن، حقوق اجتماعی، حقوق شهروندی و حقوق عامه مطرح است قطعاً باید علما و فضلاء حوزه‌های علمیه بر این‌ها اشراف پیدا کنند. اولاً باید بفهمند این‌ها چه می‌گویند و خود مفهوم را دریابند، بعد در اسلام در مقابل این‌ها چه چیزی مطرح هست را پیدا کنند که بحمدالله مقدار زیادی از این‌ها در منابع ما که در رشته‌های حوزوی خود آنها را کنار گذاشتیم وجود دارد. این سری از روایات چون خیلی دخالت در آن فتاواهای مربوط به رساله‌های علمیه را که بیشتر، افراد و آحاد جامعه و تکالیف فردی نه تکالیف اجتماعی را در نظر دارند نداشته است به آنها توجه نشده و آنها کنار گذاشته شده‌اند چون دخالتی در درس‌های فقهی نداشته است. امروز همه آن میراث عظیم و غنی که در روایات ما شاید از آن به «روایات اخلاقی» یا آداب تعبیر کنیم یا تعبیرات دیگری مانند سنت‌ها یا دیدگاه‌ها یا مفاهیم اجتماعی داشته باشیم یا این‌که این‌ها مسائل بسیار عظیم و مهمی است امروز این‌ها باید در داخل کار علمی حوزه‌ها قرار گیرد چون امروز محل ابتلاست و با قیام این نظام مقدس و با این تحولی که در جهان اسلام و در کل جهان شده امروز کفر و اسلام در همه عرصه‌ها با هم صف‌آرایی کرده‌اند، نه فقط در فقه و چند تا فتوای فقهی مربوط به کارهای فردی اشخاص یا کارهای اجتماعی آنها بلکه در همه عرصه‌ها با هم مقابله و صف‌آرایی کرده‌اند، آنها جنود شر و باطل خودشان را بسیج کرده‌اند ما هم باید این طرف بسیج کنیم و خوشبختانه همه چیز هم داریم. شما مراجعه کنید و ببینید چقدر ما روایات داریم؛ بیش از روایات موجود در رابطه با احکام قضایی فقهی، ما روایتی درباره آداب قضا، سیاست‌های قضایی و راه‌کارهای علاج مشکلات قضایی داریم که متأسفانه به آن توجه نشده است.

این روایات سیاست‌های کلان قضایی را مشخص می‌کند همچنین ما روایات زیادی در خصوص حقوق شهروندی آن هم خیلی بهتر از آنچه غرب تحت عنوان حقوق شهروندی مطرح کرده، داریم. روایات زیادی در خصوص «حق دفاع» و «حق دفاع متهم» قبل از اتهام، حین اتهام، قبل از دستگیری، حین دستگیری، بعد از دستگیری، قبل از حکم، بعد از حکم، داریم که به این دقت و ظرافت حتی در کنوانسیون‌های سازمان ملل و در حقوق قضا و منشورها وجود ندارد. منشورهای حقوق بشر هم آنها را به دقت ندیده‌اند. این‌ها که من عرض کردم مواردش را پیدا کردم و آنقدر روایات عجیب و تکان دهنده پر محتوا در مورد عدالت قضایی

داریم در خصوص بی طرفی قاضی که در هیچ جای آن قوانین ذکر نشده است. شما کجا دیدید و در کدام قانون قضایی دنیا و در کدام نظام قضایی و دستورات مربوط به محکمه قضایی مانند آن را دیده‌اید. آنچه که ما در رابطه با بی طرفی قاضی داریم در روایات بی طرفی قاضی آمده است که قاضی حق ندارد یکی از طرفین دعوی را به تنهایی حتی اگر رفیق و مرید او باشد بدون حضور دیگری تا وقتی که پرونده بررسی نشده و تمام نشده در خانه خودش مهمان کند چون این طرفداری تلقی شده و در نظر دیگری شبهه ایجاد می‌کند «**لا یتصاف الخصم**» قاضی حق ندارد یکی از دو متشاکلی را مهمان خودش قرار بدهد این روایت در این خصوص آمده است که یکی از دستداران و اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام بر ایشان وارد شد. مهمان شد، شب اول مقداری که گذشت، گفتند که من یک پرونده و یک شکوائیه علیه فلان کس دارم و آمده‌ام تا شما یا قاضی شما قضاوت کند. تا امام فهمید گفت: باید از منزل من بیرون بروی. گفت: چرا؟ او این روایت را گفت که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «**لا یتصاف الخصم الا و معه خصم**» تو دیگر حق نداری امشب اینجا باشی و او را از خانه خودش بیرون کرد. این قدر تساوی و بی طرفی حفظ شده و قاضی حق ندارد در محکمه به یکی از دو طرف بیش از دیگری نگاه کند و مشاوره کند، در گوشی چیزی بگوید بدون اینکه دیگری چیزی بشنود این جایز نیست حالا ممکن است فقها فتوا ندهند که این جایز نیست یا قضاوت باطل است ولی این دستور در روایات ما آمده است این سیاست ذکر شده است این دقت در مساوات بین دو طرف دعوا و بی طرفی قاضی که مبنای اعتماد مردم و مبنای عدالت قضایی است به این شکل در اسلام آمده و صدها مسئله دیگر که این‌ها را ما بعنوان این‌که احکام فقهی نیستند در کتب فقهی معترض نمی‌شویم. امروز باید این‌ها را داخل بحث‌های طلبه‌گی مان بیاوریم و در بحث‌های سطح و خارج بنظر من باید بیاوریم آن وقت این‌ها را اگر وارد کنیم از درون این‌ها آن قدر مسائل بسیار ارزشمند و ظریف بدست می‌آید که اگر ما این‌ها را نظریه پردازی کنیم «**بما استحفطوا من کتاب الله**» و قانونمند کنیم و سیستم‌سازی کنیم، و بخش‌های حقوق بشر، حقوق زن، حقوق متهم، عدالت قضایی، سیاست‌های قضائی، نظام قضای اسلامی، بحث آزادی، حقوق عامه، حقوق مردم، حقوق شهروندی همه این‌ها وجود دارد. ولی نیاز به کار دارد تا با این قالب‌ها و واژه‌هایی که امروز مطرح می‌شود به مصادف آنها آورد، آن وقت عظمت اسلام، عمق اسلام، تطابق اسلام با فطرت انسان و با آن ارزش‌ها شکل می‌گیرد و مشخص می‌شود. حفاظت از اسلام در برابر تهاجم فرهنگی و تهاجم مکتب‌های باطل امروز دنیا از این راه شکل می‌گیرد. حوزه‌ها بایستی اولاً این مسئولیت و مفاد این آیه را خوب مقابل چشمان خود تجسم داده و ببینند که چه نقش مهم

و چه وظیفه سنگینی بر عهده علما و اجماع در این آیه گذاشته شده و چه نقش تاریخی برای آنها لحاظ شده و چه راهی این آیه شریفه باز کرده و چگونه راه را مشخص کرده و راهکار هم ارائه داده است. «**بما استحفظوا من کتاب الله**» این کار بسیار مهمی است که بحمدالله شروع شده و یکی از برکات این نظام توسعه در این بخش است. البته قبل از این هم بوده و اینها متوقف به نظام نیست و خود برپایی حکومت اسلامی یکی از وظایف انبیا و ربابیون و اجماع و علما است و این خط، خط خیلی وسیعی است و وظیفه و نقش آن خیلی کلان‌تر از برپایی حکومت اسلامی است. در جایی که حاکم اسلامی و حکومت اسلامی هم نباشد این نقش به وسیله انبیا و اوصیاء و اجماع و علما محفوظ است ولی وقتی که حاکمیت اسلامی برپا می‌شود این نقش خیلی حساس و گسترده‌تر می‌شود امکاناتش بیشتر شده، تقصیر و قصور و کاهلی و بی‌تفاوتی نیز گناه نابخشودنی‌تری خواهد شد. «**بما استحفظوا من کتاب الله و کانوا علیه شهداء**» الگو شدن، مستلزم احیا این امر در خود، بعد کشاندن جامعه و مردم با این الگوسازی‌ها است، این‌که امام توانست يك ملتى و بعد يك جامعه‌ای را به صحنه حکومت انبیا و صالحان و ارزش‌های انبیا و ارزش‌های الهی بکشاند، به این دلیل است که اول در خودش این‌ها را پیاده کرد و الگوی تمام عیار برای مردم شد و مردم وقتی دیدند این الگو را دنبال کردند و آمدند. اول خودش را فراموش کرد و در طبق اخلاص برای هدف‌های بزرگ و هدف‌های الهی ایثار کرد. مردم هم وقتی این را دیدند، همان جرأت، شجاعت، ایثارگری و از خودگذشتگی را نشان دادند، و با قطع تعلق به مسائل دنیا و ماده و زن و بچه و مسائل دیگر در میدان آمدند و دیدید چه عظمتی شکل گرفت. امروز هم که دنیا این راه را دنبال می‌کند. «**لا تخشوا الناس**» ناس هر کجا در قرآن ذکر می‌شود به معنی دشمنان است. «**ناس**» ناسالم و فاسد است هیچ وقت خویان در آیات به ناس تعبیر نمی‌شود «**الذین قال لهم الناس**» عبدالله بن ابی از سرکردگان منافقان مدینه بود، در این آیه هم همین جور است. «**لا تخشوا الناس**» یعنی از مردم بد، از طاغوت‌ها و ترفندهای آنها نهراسید «**واخشونی**» از من بترسید، و این راهکار اثرات خودش را، هم در تاریخ قدیم، هم در تاریخ معاصر ما نشان داد مخصوصاً در تاریخ معاصر این شجاعت امام چقدر و عدم خوف امام از طاغوت و طاغوتیان و فقط به تکلیف عمل کردن و از خدا ترسیدن که همان معنای عمل به تکلیف است برکات خود را نشان داد که امام به آن تکیه می‌کرد. فقط از خدا باید ترسید و به تکلیف او عمل کرد و بس. پیروزی حزب الله لبنان هم که در حقیقت ثمره و شاخه‌ای از غرس مبارک امام است آن هم به همین جهت بود اگر سید حسن نصرالله و حزب‌الله می‌ترسید قطعاً این پیروزی‌ها حاصل نمی‌شد، که جای ترس هم داشت و همه از اسرائیل می‌ترسیدند

بخصوص دولت‌های عربی با آن همه امکانات نظامی می‌ترسیدند ولی این مجموعه کم اما با ایمان که واقعا الگو شدند و شاهد بر این امت‌های اسلامی شدند و امروز می‌بینیم چه عظمتی ایجاد کردند و ایجاد می‌کنند. و هنوز این راه هرچه بیشتر طی بشود و آنچه در درون راه انبیا و راه ائمه و اسلام ناب که اسلام ائمه اطهار علیهم‌السلام است. هرچه این تعالیم، این اخلاق فردی و اجتماعی، حقوق اسلامی، دیدگاه‌ها، سیاست‌ها، جهت‌های بلند و ارزش‌ها از منابع غنی اسلامی ما که بحمدالله بیشترین و غنی‌ترین منابع هم در اختیار ماست در اختیار مذهب اهل‌بیت هست بیرون کشیده شوند، برکات زیادی خواهد داشت. آنچه که مذاهب دیگر از این متون غنی اسلامی دارند و در تاریخ ثابت شده که به برکت اهل‌بیت عصمت و طهارت بوده که با تدریس‌هایی که کردند، همه ائمه مذاهب دیگر شاگردان ائمه ما بودند و این در تاریخ ثبت شده است. در مقدمه کتاب *دایرة المعارف* اشاره شده و در تاریخ این مسئله ذکر شده است که روایات اهل‌سنت را ائمه ما حفظ کردند، حتی روایاتی که از غیر ناحیه ائمه صادر شده بود. اگر حرکت ائمه در حفظ روایات و سنت پیامبر نبود سنت پیامبر در دست برادران اهل‌سنت هم الآن نبود تنها کسی که در مقابل حرکتی که پس از فوت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در رابطه با اکتفای به قرآن «**حسینا کتاب الله**» و حذف سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ایجاد شده بود دفاع کرد، امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود و شاگردان امیرالمؤمنین علیه‌السلام که در اوج آن دشمنی‌ها و حالت خفقانی که نسبت به نقل حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله انجام می‌گرفت. در عصر اول ایشان تدریس کرد و شاگردانی را تربیت کرد. احادیث پیامبر را دستور داد حفظ کنند، منتقل کنند، منتشر کنند، عبدالله ابن عباس‌ها و دیگران را تربیت کرد و سنت پیامبر را حفظ کرد و روایاتی را که حتی از غیر طریق امیرالمؤمنین علیه‌السلام و ائمه نقل شده است در مذاهب اسلامی دیگر آنها بعد از این استفاده کردند اگر نبود که این‌ها هم از بین می‌رفت و اگر از بین می‌رفت یعنی يك منبع دوم غنی اسلامی پس از قرآن که سنت پیامبر و احادیث معصومین است از بین می‌رفت. بنابراین همه ما کامل‌ترین این‌ها را در تشیع داریم و ثابت شده است. امروز بحمدالله آثار و برکات عملی آن هم در احیای اسلام ناب خودش را نشان می‌دهد که وقتی این تعالیم حفظ شد، چگونه این پیروزی‌ها و این نصرت‌ها در مقابل دشمنان اسلام، این تحولات و انقلاب‌های عظیم، این حاکمیت ارزش‌های اسلامی و الهی در جامعه شکل می‌گیرد، وقتی درست طبق آن نسخه عمل می‌شود «**بما استحفظوا من کتاب الله**» نقش علما و مراجع بزرگ ما در تاریخ خیلی نقش عظیمی بوده «**کانوا علیه شهدا**» این الگو شدن، اسوه شدن، احیا کردن در خود و در جامعه و کشیدن دیگران به عرصه و میدان وقتی درست می‌شود که درست بدان عمل می‌شود که «**فلا تخشوا الناس**» ترس از مردم در کار نباشد و وحشت

فقط از خدا باشد، نصرت الهی هم شکل می‌گیرد. امیدواریم که خداوند متعال به برکت این ایام مبارک و به برکت مبعث پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ان شاء الله همه ما را به آنچه که وظیفه ماست موفق کند، خوب عمل کنیم مخصوصاً علما و بزرگان و حوزه‌های علمیه من مجدداً از همه تشکر می‌کنم.
و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته